

ایسکرا

۵۰۹

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
تلفن تماس: ۰۰۴۹۱۶۳۵۱۱۲۰۲۵
E-mail: asangaran@aol.com
مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالگیریان
تلفن تماس: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر، منصور فرزاد - عبدالگیریان

۱۹ اسفند ۱۳۸۸، ۱۰ مارس ۲۰۱۰

چهارشنبه ها منتشر میشود

قطعه نامه ۸ مارس ۱۳۸۸ سندج

مارس یادآور يك قرن مبارزه مداوم و روزافزون در سراسر جهان است. مبارزاتی که با اعتراض زنان پارچه باف شهر نیویورک آمریکا برای بهبود شرایط کار و زندگی آغاز شد، شکل گسترده ای به خود گرفت و تا امروز هم در کشورهای مختلف جهان در تکاپوست. با این وجود همچنان پیامدهای ضد انسانی نظام سرمایه داری بیشترین آسیب را متوجه زنان زحمتکش، کارگر، حاشیه نشینها، زنان سرپرست خانوار، پرستاران، معلمان و... کرده است؛ از بیکاری، فقر و فحشا گرفته تا انواع بیماریها و آسیبهای اجتماعی، تبعیض، تحقیر، بردگی و لطمات ویرانگر جنگ افروزی.

برگزاری مراسم ۸ مارس و صفحه ۵

از استکھلم تا سندج تا پشت دیوار زندان اوین: طنین ندای انقلاب زنانه در ایران!



روز جهانی زن امسال بی تردید روز اعتراض جهانی به حجاب، آپارتاید جنسی و روز همبستگی بین المللی با مبارزه قهرمانانه زنان مردم ایران بر علیه جمهوری اسلامی بود. چهره "ندا" این سمبل انقلاب ایران در دست هزاران نفر در پاریس و استکهلم و فرانکفورت و بسیاری شهرهای اروپا و آمریکای شمالی رژه رفت. حجاب، پارچه ای که از زنجیر و اسید و واشنگتن شده، در لندن و تورنتو و واشنگتن زیر پای تظاهرکنندگان لگدمال شد و در غریو شادی به آتش کشیده شد.

شعارهای بی تخفیف علیه حکومت اسلامی زن ستیز خیابانها را به لرزه درآورد. سخنرانی ها امسال در همه صفحه ۲

متن سخنرانی مینا احدی در چهارمین کنگره بین المللی علیه اعدام

روز پنجشنبه ۲۵ ماه فوریه در شهر ژنو و در چهارمین کنگره بین المللی علیه اعدام در يك پلنوم بزرگ، مینا احدی و شیرین عبادی در مورد ایران و اعدامها در ایران حرف زدند. در اینجا متن سخنرانی مینا احدی را ملاحظه میکنید.

بسیار خوشحالم که در جمع صدها نفر مخالفین اعدام صحبت میکنم. دو روزی که در اینجا بودم، از بهترین روزهای زندگی من بود، چرا که احساس میکنم همه شما را از نزدیک می شناسم و فکر میکنم، صفحه ۲



محمد آسنگران

مصاحبه با محمد آسنگران در مورد معاملات دولتهای غربی با جمهوری اسلامی و بررسی علت دستگیری و تعرض به مراکز پ.ک.ک و پژاک در بلژیک و آلمان

ایسکرا: روز پنجشنبه ۴ ماه مارس پلیس بلژیک به محل استودیوی تلویزیون "روژ تی وی" حمله کرد و تعدادی از مسئولین و کارمندان تلویزیون را بازداشت کرد و طبق اخبار تایید شده، پلیس بلژیک امکانات و وسائل فنی این فرستنده را خراب و یا با خود برده است. چند دفتر و مراکز دیگر وابسته به پ.ک.ک هم مورد حمله قرار گرفته

و تعداد دیگری هم بازداشت شده اند از جمله دو نفر از مسئولین آنها و رئیس شرکتی که تلویزیون به اسم او ثبت شده است. روز بعد در کشور صفحه ۳

در صفحات دیگر:

گزارش مینا احدی از کنگره بین المللی علیه اعدام در سوئیس صفحه ۶

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران به مناسبت روز جهانی زن صفحه ۷

مراسم بزرگداشت روز جهانی زن در مرکز شهر سندج صفحه ۸

دومین مراسم روز جهانی زن در سندج

در این مراسم ۱۵ نفر از تجمع کنندگان دستگیر شدند برای آزادی دستگیر شدگان به میدان بیانیم

صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از استکھلم تا سندج تا ...

از صفحه ۱



جاری در ایران و نقشی که زنان در آن ایفا میکنند، ۸ مارس بیش از پیش توده‌ای و معرفه شد. این نه فقط برای حکومتی که ۳۱ سال علیه هشت مارس جنگیده و کوشیده است آنرا با تولد فاطمه زهرا جایگزین کند یک شکست خرد کننده بود، بلکه در صف اپوزیسیون بورژوازی رژیم نیز هراس از "انقلاب زنانه" و هشت مارس بنحو محسوس بیش از گذشته بود. بازار پیام‌ها و تلاش‌های مضحک برای ملی و اسلامی کردن روز جهانی زن داغ‌تر از هر زمان بود. این در واقع نوعی سرفرو آوردن در مقابل قدرت

و رادیکالیسم جنبش آزادی زن در ایران و حضور سنت سوسیالیستی و کارگری هشت مارس بود. هشت مارس بطور آشکارتری نشان داد که این صف آزادیخواهی و برابری طلبی کارگری و حزب آن است که پرچم برابری بی قید و شرط زن و مرد و "مانیفست آزادی زن" را در دست دارد.

اما بهمان درجه که ۸ مارس امسال گامی بزرگ برای پیشروی جنبش آزادی زن در متن انقلاب

گردید. در قم، مرکز اسلام، دانشجویان دختر دانشگاه آزاد روز جهانی زن را برای اعتراض به جداسازی جنستی و حجاب و قوانین کثیف اسلامی انتخاب کردند و مورد حمایت دانشجویان پسر قرار گرفتند. در مهاباد، سقز و در سندج سرخ اجتماعات متعددی بر پا شد و قطعنامه‌هایی در اعتراض به بی حقوقی زن و آپارتاید جنسی قرائت شد. در سندج زنان معترض



حجاب را به آتش کشیدند. اجتماع مادران داغدار و خانواده‌های زندانیان سیاسی در برابر زندان اوین که چندین هفته است هر شب جریان دارد، در ۱۷ اسفند رنگ و بوی هشت مارس و گل سرخ به خود گرفت. امسال به لطف انقلاب عظیم

جاردیکاتور، شفافتر و نافذتر بود. از لاطانات پست مدرنیستی نظیر "فرهنگ خودشان است" در توجیه حجاب دیگر خبری نبود. در ۸ مارس ۲۰۱۰ بیش از پیش جهان به این واقعیت چشم گشود که رژیم آپارتاید جنسی ایران باید همچون رژیم آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی مورد نفرت و انزجار و انزوای جهانی قرار گیرد. در عین حال این روز بعنوان سندی از این حقیقت به ثبت رسید که "انقلاب زنانه" در ایران به کل جنبش‌هایی زن در جهان رنگ و جلای دیگری می‌بخشد.

۸ مارس، روز جهانی زن در ایران طبعاً ضجه‌های وحشت آیت الله‌ها از "بدحجابی" و مبارزه خستگی‌ناپذیر زنان را بار دیگر بلند کرد. علیرغم همه بگیر و ببندها و فرق کردن خیابانها و پارکها، مراسم‌های گوناگونی در دانشگاه‌ها و اجتماعات مختلف در تهران برپا

حاضر بود، پیشروی زنان و ۸ مارس بنویه خود انقلاب علیه جمهوری اسلامی را قدرت می‌بخشد و به پیش میراند. پس از هشت مارس مردم ایران در مبارزه و انقلاب شان علیه جمهوری اسلامی حمایت بین المللی بیشتری کسب کرده و در موقعیت بهتری برای شکستن فضای خفقان سنگینی که رژیم اسلامی بعد از ۲۲ بهمن برقرار کرده قرار گرفته اند. حزب کمونیست کارگری دست همه زنان و مردانی که در داخل و

خارج کشور در ساختن چنین هشت مارسی سرخ و رادیکال و موثر نقش داشتند را صمیمانه می‌فشارد.
زنده باد هشت مارس
زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی
سرنگون باد جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ اسفند ۱۳۸۸
۱۰ مارس ۲۰۱۰

متن سخنرانی مینا احدی در ...

از صفحه ۱

دنیای با وجود انسانهایی مثل شما که شبانه روز علیه اعدام فعالیت میکنید، میتواند بهتر از اینها باشد که الان هست.
با این حساب، شاید شما هم مرا می‌شناسید، اما بهتر است کمی خودم را معرفی کنم. من مینا احدی هستم و سخنگوی کمیته بین‌المللی علیه اعدام. رابطه من با این پنج حرف کلمه "اعدام" اما، فقط به این محدود نیست که با یک سازمان علیه اعدام کار میکنم، متأسفانه رابطه من با این کلمه پنج حرفی، بسیار نزدیکتر از اینها است.

۱۴ ساله بودم، وقتی حکومت شاه را نقد میکردم، مادرم به من گفت، مواظب حرفهایت باش، میگیرند و می‌برند و اعدامت میکنند. آنزمان اعدامها اساساً علیه فعالین سرشناس سیاسی بود. من بعداً دانشجوی پزشکی دانشگاه تبریز بودم و در انقلاب علیه حکومت شاه فعالانه شرکت کردم، و بعد از انقلاب، ۲۰ ساله بودم که

رابطه من با این کلمه اعدام، از اینهم فراتر هست، من کسی هستم که از زندانهای جمهوری اسلامی نوجوانان به من زنگ میزنند و میگویند، "خاله مینا کاری بکن، دارم ۱۸ ساله میشوم"، میدانید برای چه؟ چرا که من از مملکتی حرف میزنم که در آنجا کودکان و نوجوانان را در سلولهای مرگ نگهداری میکنند، تا به سن ۱۸ سالگی برسند و سپس یک روز بعد از جشن تولد ۱۸ سالگی آنها، این جوانان را اعدام میکنند.

در گوش من صدای مادران محکومین به اعدام، صدای زنان محکوم به اعدام و کسانی است که ممکنست امروز و یا فردا اعدام شوند، و در عین حال در گوش من صدای کودکانی است که در پشت در زندان اوین، لحظاتی را تجربه کرده اند که در آنسوی دیوار مادرانشان را اعدام کرده اند.

رابطه من با این پنج حرف، متأسفانه و متأسفانه بسیار نزدیکتر از این حرفها است!!!

ما در سال ۲۰۰۱، کمیته بین المللی علیه سنگسار و در سال ۲۰۰۴ کمیته بین المللی علیه

نوعی دولتهای غربی و موسسات مختلف، اتحادیه اروپا و سازمان ملل، به این فجایع "عادت" کرده اند.

من در اینجا در مورد نحوه کار سازمانهایی مثل کمیته علیه اعدام و یا سازمانی که نازنین افییشن جم علیه اعدام کودکان تشکیل داده، حرف میزنم.

این عکس کبرا رحمانپور است که در دست من میبینید. علاوه بر کمپینهای ما علیه سنگسار، اولین کمپین‌های بین‌المللی ما علیه مجازات اعدام از کمپین مبارزه علیه اعدام کبرا شروع شد. ما از اعماق جامعه حرف زدیم و از کسانی که اگر راجع به آنها کمپین انجام نمیدادیم، کسی حرف آنها را نمیزد. در مورد کبرا در سراسر جهان کمپین گذاشتیم و سرگذشت او را به زبانهای مختلف ترجمه کردیم. کبرا امروز یک چهره سرشناس بین‌المللی است.

این یک عکس دیگر است، عکس دلارا دارابی، او نقاش و هنرمند و یک نوجوان که در ۱۷ سالگی دستگیر شد و بعداً اعدامش

مصاحبه با محمد آسنگران در مورد ...

از صفحه ۱

آلمان حاجی احمدی رهبر "پژاک" بنا به درخواست دادگاه عالی کشور بلژیک دستگیر میشود. قبل از این وقایع جمهوری اسلامی ریگی را با همکاری پاکستان و آمریکا دستگیر کرده بود. این رویدادها سریعاً در رسانه ها منعکس شدند. این اتفاقات سئوالات متعددی را طرح کرده است. اولین سؤال این است که چرا پلیس به چنین حمله ای اقدام کرده است؟

م. آسنگران: اجازه بدهید برای پاسخ به این سوال ابتدا تبیین خودم را از این نمونه ها فراتر ببرم. زیرا پرداختن به این اتفاقات به تنهایی ممکن است ما را به جوابی گمراه کننده برساند. به نظر من این مورد مشخص تنها حلقه هایی از يك زنجیره اتفاق و در متن سیاستهای عمومی تر قابل بررسی است.

این اقدام دولت بلژیک طبق گفته های پلیس و دادگستری این کشور گویا بر اساس درخواست و مدارکی بوده است که دولت آمریکا و منابع امنیتی بلژیک بدست آورده اند. اما واقعیت عمیقتر و فراتر از اینها است. خارج از اینکه این دولتها چه مدارکی در دست دارند و این اطلاعات و مدارک تا چه حد درست یا غلط هستند، آنچه نباید از نظر دور داشت معامالتی است که دول اروپایی همراه با آمریکا در پشت صحنه با دولتهای معینی در خاور میانه و مشخصاً ترکیه و ایران پیش میبرند.

حقایق پشت این اقدامات يك معامله کثیف است. ابعاد این معاملات هنوز هویدا نشده است. حمله به پ.ك.ك و پژاک در کشورهای اروپایی را باید در کنار معامالتی از نوع دستگیری ریگی قرار داد. این دو نمونه فقط گوشه ای از معامالتی است که دولتهای غربی میخواهند برای رسیدن به اهدافشان در خاورمیانه پیش ببرند. آنها با این اقدامات میخواهند امتیازاتی به رژیم اسلامی و دولت ترکیه بدهند که کمک کند معاملات دیگری به سرانجام برسد. دستگیری ریگی اساساً برنامه ای مشترک آمریکا و پاکستان و جمهوری اسلامی بود. اما اساس قضیه

با قدرت نظامی و اشغال افغانستان نتوانستند جنبش اسلام سیاسی را مهار کنند. اکنون ترکیبی از نظامیگری و مذاکره و معامله قرار است آنها را به اهداف خود نزدیک کند.

جنبش اسلام سیاسی و جریانات آن فقط با فاصله گرفتن از سیاستهای تا کنونی خود میتوانند همراه دول غرب بشوند و این امری غیر ممکن است. جمهوری اسلامی و حماس و حزب الله ... اگر بخواهند این شیفت را انجام بدهند باید از سیاستهای تا کنونی و از جنبش خود فاصله بگیرند. اما در عین حال میدانند که اگر از سیاستهای تروریستی تا کنونی دست بردارند، جایگاهی که نزد دول غرب پیدا کرده اند را از دست میدهند. جنبش اسلام سیاسی و جریانات منبعث از آن با اتکا به فرهنگ اسلامی و ضد غربی گری تا کنون توانسته است سهم در قدرت و استعمار در بخشهایی از جهان بشود. این نقطه قدرت و امتیاز را نمیخواهند از دست بدهند.

مسئله اصلی این است که دولتهای غربی خود مبتکر و معمار قدرتگیری این جنبش بوده اند. اکنون زیاده رویهای این جنبش را میخواهند هرس کنند و به معامله و مصالحه با آن پردازند. به نظر من این امری غیر ممکن است که جمهوری اسلامی و دیگر جریانات جنبش اسلام سیاسی تماماً با دول غرب همراه شوند. چون هرس شدن زیاده رویهای این جنبش به معنی قیچی کردن پر و بال آنها است. اگر چنین اتفاقی بیفتد مردم خود این کشورها يك روز هم حاکمیت این جنبش ارتجاعی را تحمل نمیکند و آنها را ساقط میکنند. جمهوری اسلامی و دیگر جریانات اسلام سیاسی این امر را به خوبی میدانند و به همین دلیل تنها به بازی و معامله در چهارچوب حفظ پایه های خود رضایت میدهند نه بیشتر. دولتهای غربی هم کارتهای بازی بیشتری در اختیار ندارند آلترناتیو مورد نظر خود برای جمهوری اسلامی را ندارند. ناچارند با حفظ این رژیم به معامالتی در حد منافع دو طرف و در چهار چوب داده های تا کنونی اکتفا کنند.

دول غرب به سرکردگی آمریکا با حمله به عراق و ساقط کردن صدام

حسین به يك اشتباه محاسبه استراتژیک دچار شدند. معادلات خود ساخته در منطقه را با بحرانهای سختی مواجه کردند که بعد از بیست سال هنوز نتوانسته اند راه حل قابل قبولی برایش پیدا کنند. قدرتهای جهانی و دولتهای منطقه هنوز از زیر آوار تاثیرات قلدرمنشی های آمریکا و اشغال عراق نتوانسته اند بیرون بیایند. بنابر این نمیخواهند يك بار دیگر اشتباه استراتژیک دیگری را مرتکب شوند. به همین دلیل از راه معامله و مصالحه با نیروهای جنبش اسلام سیاسی میخواهند به اهدافشان برسند. به نظر من اقدامات دولتهای اروپایی علیه جریانات اپوزیسیون جمهوری اسلامی و ترکیه را باید در متن چنین شرایطی و برای معامله با دولتهای منطقه دید و بررسی کرد.

ایسکرا: حال سوال این است چرا حمله به این نیروها را برای معاملات خود انتخاب کرده اند؟

م. آسنگران: مقدار و ارزش معاملات و مصالحه این دو قطب با همدیگر فعلاً در سطح چراغ سبز نشان دادن به همدیگر است. به همین دلیل دول غرب با تعرض به نیروها و جریاناتی که حاشیه ای تر و کم نفوذ تر هستند آغاز کرده اند. در عین حال تعرض به جریاناتی از نوع ریگی و پژاک و پ.ك.ك برای غرب آسانتر و در افکار عمومی کشورهای خود قابل قبولتر به نظر میرسد. از طرف دیگر ظاهراً و به طور دو فاکتو جمهوری اسلامی هم قبول کرده است که جریانات تروریستی اسلامی در عراق را مهار کند و مقتصداندر و شبه نظامیان بدر در عراق را وارد يك ائتلاف کرده اند که در چهار چوب "انتخاباتی" در آن کشور نقش بازی کنند.

اما اگر دولتهای غربی و جمهوری اسلامی بخواهند وارد معامالت پایه ای و اساسی بشوند باید از يك طرف آمریکا و دول غرب اسرائیل را به قبول وجود دو دولت در فلسطین و اسرائیل ناچار کنند و از طرف دیگر جمهوری اسلامی از حمایت جریانات تروریستی مانند حماس و حزب الله و سیاستهای تروریستی خود دست بردارد. اما همچنانکه در جواب سوال قبلی گفتم این امر ممکن نیست و اگر هم

چنین اتفاقی ممکن شود بازنده اصلی آن جنبش اسلام سیاسی است. به نظر میرسد که این روند با اتکا به وجود اعتراضات میلیونی در ایران از يك طرف و فشار سیاسی و اقتصادی جهان علیه جمهوری اسلامی از طرف دیگر روندی است که به ضرر جمهوری اسلامی پیش میرود و حکومت اسلامی ناچار به پرداخت هزینه های بیشتری است. اما دولتهای اروپایی و آمریکا با اقدامات تا کنونی میخواهند راه سازش را به جمهوری اسلامی نشان بدهند. جمهوری اسلامی هم میداند که با این سازش سند پایان عمر خود را امضا میکند. اتفاقاً مشکل همین جا است و پیچیدگی اوضاع همین است که شرایط و تعادل قوای فعلی يك بن بست را به دو طرف تحمیل کرده است.

ایسکرا: بنابر این توضیحاتی که دادید چنان برداشت میشود که راه حلی وجود ندارد این برداشت درستی از تحلیل شماست؟

م. آسنگران: به نظر من راه حل فوری و عملی ای برای مصالحه و یا رسیدن به اهداف این دو قطب موجود نیست. جدال آنها و در عین حال معامله و مذاکره آنها ناچاراً در عرصه های مختلفی هم چنان پابرجا خواهد بود. اما سیر تحولات داخلی در ایران و خارج ایران به ضرر جنبش اسلام سیاسی پیش میرود و سیر افول این جنبش جزو فاکتورهای داده شده و قابل مشاهده است. جنبش اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی با بحران مشروعیت در سطح ملی و بین المللی مواجه هستند. جنبش انقلابی در ایران فاکتور تعیین کننده ای در معادلات سیاسی ایران و منطقه است. در قطب مقابل هم افول موقعیت آمریکا امکان بازی قدرتهای دیگر را فراهم کرده و چهره سیاسی دنیا از دو قطبی بلوکهای شرق و غرب به چند قطبی بعد از ریختن دیوار برلین تبدیل شده است. تسلط بر مناطق تحت نفوذ دولتهای قدرتمند دنیا خود موضوع جدال درون قدرتهای سرمایه داری درجهان است. به همین دلیل امکان پیش بردن يك سیاست واحد از جانب دولتهای غربی له یا علیه جنبش اسلامی را مشکلتر کرده است. به دلیل وجود و تاثیرات این فاکتورها بود که بالاتر گفتم

متن سخنرانی مینا احدی در ...

از صفحه ۲

با تشکر
یک توضیح: این متنی است که
بر اساس متن کتبی و توضیحاتی
در موقع سخنرانی مینا در



چهارمین کنگره جهانی علیه اعدام
در شهر ژنو تهیه شده و امیدوارم
بزودی فیلم سخنرانی مینا احدی در
اختیار عموم قرار بگیرد.

اسلامی و قصاص و چشم در آوردن
ودست و پا بریدن .
جدایی مذهب از دولت و
آموزش و پرورش
لغو سنگسار
دستگیری و محاکمه قاتلین و
سران حکومت اسلامی

منعکس کنم که یک هفته قبل به
من زنگ زد و گفت: مینا مادر مرا
فراموش نکن. یعنی سکینه
محمدی آشتیانی که ممکنست به
همین زودی در تبریز سنگسار
شود ...

خانمها و آقایان!

این دیگری که اینجا میبینید،
عکس رشیدی است . او اخیرا
دستگیر شده و فقط به دلیل اینکه
پلاکاردی در دست داشته که نوشته
شده "احمدی نژاد فاشیست، پلی
تکنیک جای تو نیست" دستگیر و
محکوم به اعدام شده است. ما با
دولتی و سیستمی طرف هستیم که
هر کس به خامنه ای انتقاد کرد به
اتهام جنگ با "خدا" اعدام میشود.
حکومتی که به وضوح نشان
میدهد که اعدام وسیله ای است برای
ارعاب مردم و دفاع حکومت از
موجودیت خود.
من آمده ام بگویم که باید این
قطعه نامه در این کنگره جهانی علیه
حکومت اسلامی ایران داده شود.

یک رنسانس فکری در ایران علیه
اعدام ایجاد میکنیم. امروز در ایران
هیچ نهاد و سازمان اپوزیسیونی
جرات نمیکند از اعدام دفاع کند.
ما در برنامه های رادیو
وتلوویزیونی متعدد، در ایران یک
رفراندوم علیه اعدام به پیش بردیم و
این فعالیتها در ایران بسیار موثر و
مهم بود.

من به اینجا آمده ام که صدای
مادر فرزند کمانگر و مادرانی را
منعکس کنم که با ترس و وحشت،
به قتل رسیدن و اعدام فرزندانشان
زندگی میکنند. من میخواهم
صدای جوانانی را منعکس کنم که
ممکنست امروز و یا فردا اعدام
شوند. من آمده ام بگویم که
دیپلماسی کارساز نیست و باید
حکومت اسلامی ایران را زیر فشار
گذاشت و آنرا به زیر کشید.
من آمده ام صدای پسر جوانی را

کردند. ما در کمپین های خودمان
میگویم این محکومین به اعدام
چه کسانی هستند، سرگذشت آنها
چیست و از کدام موزیک خوششان
می آید، نظر این افراد در مورد
زندگی و یا ترس و امیدهای اینها
چیست. ما به محکومین به اعدام
چهره میدهم و از این طریق کمپین
هابمان را پیش میبریم.

دلارا دارایی روز اول ماه مه
یعنی روز جهانی کارگر در ایران
اعدام شد. و این بهترین شاخص
هست که اعدام در ایران سیاسی
است و وقتی حکومت میخواهد
علیه کارگران عمل کند، دلارا و
دلاراهارا در این روزهای مهم اعدام
میکند.

من در اینجا در عین حال
میخواهم بگویم که در ایران یک
جنبش عظیم علیه اعدام وجود دارد.
و ما از طریق فعالیتهای خودمان،

مصاحبه با محمد آسنگران در مورد ...

از صفحه ۳

گزارشی از مراسمهای روز جهانی زن در
سنندج و مهاباد

نوشته شده بود، در دست
داشتند. در پایان زنان حاضر در
مراسم، روسری ها را برداشته و
آنرا زیر پا انداختند و تعدادی هم
چادر و روسری را به آتش
کشیدند.

سنندج:

روز یکشنبه ۱۶ اسفند
ساعت ۱۴:۳۰ تعدادی از
فعالین و مدافعین حقوق زن به
مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن
مراسمی را در گرامیداشت این
روز در یکی از محلات شهرک
بعثت شهر سنندج برگزار کردند.

مهاباد:

بر اساس خبری دیگری که
تلویزیون کومه له منتشر کرده
است روز جمعه ۱۴ اسفند در
شهر مهاباد تعدادی از فعالین و
مدافعان حقوق زن در این شهر
مراسمی را به مناسبت روز
جهانی زن بر پا کردند. یکی از
فعالین در این مراسم به مناسبت
۸ مارس روز جهانی زن
سخنرانی کرد.

کمیته کردستان حزب
کمونیست کارگری ایران
۱۶ اسفند ۸۸-۷ مارس
۲۰۱۰

آزادیخواهی بدون نقش پیشتاز و
روشن بین کمونیسم کارگری و
مشخصا حزب کمونیست کارگری
ممکن نیست.

اما در عین حال قدرت گیری این
قطب چه بستگی به روشن بینی و
دیدن منافع درازمدت جبهه
آزادیخواهی و انسانیت از جانب
فعالین و رهبران کارگری و به درجه
ای هم نیروهای دارد که خود را در
داخل جنبش چپ و کمونیستی
میبینند. به نظر من اگر در شرایط
کنونی کل افراد و جریاناتی که خود
را چپ و کمونیست میدانند به منافع
دراز مدت و استراتژیک رهایی مردم
از بختک جنبش اسلامی و جنبش
ناسیونالیستی توجه کنند، ناچارند
در مقابل آلترناتیوهای بورژوازی
آلترناتیو چپ و کمونیستی را
تقویت کنند. این تنها راه حلی است
که میتواند به رهایی جامعه ایران از
ستم و استثمار و نابرابری و تروریسم
منجر شود. این تنها راه حلی است
که میتواند دروازه ای به روی منطقه
و جهان بگشاید که کل جبهه چپ و
آزادیخواهی در دنیا را وارد فاز
دیگری کند و امید به تحول و تغییر
را در دنیا برای بهتر زیستن و در
امنیت زیستن را به امری واقع و
عملی تبدیل کند.

اکنون دو قطب تروریستی دنیا با یک
بن بست در پیشبرد سیاستهای خود
مواجه شده اند.

اما راه حل سومی همیشه وجود
داشته و اکنون بیش از همیشه امید
به این راه حل سوم بیشتر شده است.

راه حل مدرن و انسانی برای حاشیه
ای کردن و کنار زدن دو قطب
تروریستی به نظر من اکنون از کانال
سرنگونی جمهوری اسلامی
میگذرد. زیرا با وجود یک جنبش
عظیم توده ای و انقلابی در ایران
امکان سرنگونی جمهوری اسلامی
یک امر واقعی و عملی به نظر
میرسد. اما مانع جدی برای
سرنگونی جمهوری اسلامی تنها
سرکوبهای داخلی و بی رحم بودن
حاکمان اسلامی در ایران نیست.
موانعی که دولتهای غربی برای
سرنگونی جمهوری اسلامی و در
مقابل پیروزی آزادیخواهان و
کمونیستها در ایران ایجاد کرده و
میکند کمتر از موانع داخلی
نیست. زیرا نگران این هستند که کل
سر رشته فاکتورهای منطقه از
دستشان خارج شود. نگران این
هستند که یک نیروی چپ و

دومین مراسم روز جهانی زن

در سنندج

در این مراسم ۱۵ نفر از تجمع کنندگان دستگیر شدند برای آزادی دستگیر شدگان به میدان بیابیم

سنندج:

روز دوشنبه ۱۷ اسفند روز جهانی زن، ساعت ۳ بعدازظهر جمعیتی مرکب از زنان و مردان و مدافعین حقوق زن با در دست داشتن پلاکاردها و دست نوشته هایی به مناسبت روز جهانی زن در پارک سپیدار شهر سنندج تجمع کردند. هر لحظه بر جمعیت حاضر در پارک افزوده میشد. نیروی انتظامی رژیم با مشاهده جمعیت در پارک سپیدار به قصد برهم زدن تجمع خواستند وارد پارک بشوند که با اعتراض مردم بویژه زنان در پارک روبرو شدند.

بعد از مقاومت هایی که زنان در برابر نیروی انتظامی انجام دادند، نیروهای انتظامی چند تن از زنان را با زور به داخل خودروهای خود بردند. همزمان ماموران لباس شخصی مشغول

شعار و دست نوشته ها به مردم حمله ور شدند. اما مردم باز هم بر می گشتند و با بلند کردن شعار و پوسترها و با فریاد "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" به حرکت خود ادامه می دادند. در ساعت ۴ بعد از ظهر تمام خیابانهای وکیل و میدان آزادی پر از ماموران رژیم شد و همه خیابانهای منتهی به این قسمت را بستند. در ساعت ۴:۳۰ دقیقه تعدادی از مردم دوباره به خیابان آزادی برگشتند و تجمع کردن که نیروهای انتظامی به این تجمع نیز حمله کردند و چند نفر دیگر را دستگیر کردند. بنا به گزارشی که به کمیته کردستان حزب رسیده است نیروهای انتظامی ۱۵ نفر از تجمع کنندگان را دستگیر و با خود برده اند.

سنندج:

بنا به خبر دیگری که به کمیته کردستان حزب رسیده است روز یکشنبه ۱۶ اسفند ساعت ۶ بعدازظهر ماموران لباس شخصی در خیابان فردوسی سنندج ناگهان به دو

دختر حمله کرده و آنها را دستگیر کردند که با مقاومت آن دو دختر روبرو شدند اما ماموران به زور آنها را به داخل خودرو نیروی انتظامی بردند. مردم حاضر در محل شروع به هو کردن ماموران نیروی انتظامی کردند که بلافاصله خیابان شلوغ شد و مردم دست به اعتراض زدند. خیابان به مدت نیم ساعت شلوغ شد. خیابان فردوسی منتهی به میدان آزادی بسته شد و لباس شخصی ها به طرف مردم هجوم بردند و مردم نیز با آنها درگیر شدند. علیرغم اینکه خیابان پر از نیروی انتظامی بود اما توان کنترل اوضاع را نداشتند. نیروهای مزدور رژیم بعد از تلاش زیادی کنترل را بدست گرفتند و آن دو دختر را با خود بردند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری به شرکت کنندگان و دست اندرکاران مراسم روز جهانی زن در پارک سپیدار درود میفرستد. لازم به یاد آوری است که دیروز ۱۶ اسفند مراسم دیگری در محله

بعثت سنندج برگزار شد. همچنین مراسمهای دیگری قبلا در مهاباد و سقز به مناسبت روز جهانی زن برپا شده بود. ما روز جهانی زن را به همه این عزیزان و به همه زنان تحت ستم تبریک می گویم. ما شهامت و جسارت شما زنان و مردان برابری طلب را ارج مینهیم و از همه شما عزیزان دعوت میکنیم که با صفی متحد و یکپارچه برای آزادی همه دستگیر شدگان به میدان بیابیم. مزدوران حکومت طی روزهای شانزده و هفده اسفند تا کنون بیش از ۱۵ نفر را دستگیر کرده اند. باید برای آزادی دستگیر شدگان متحدانه اقدام کنیم. با تجمع در مقابل زندان و نهادهای سرکوبگر رژیم خواهان آزادی زندانیان سیاسی و همه دستگیر شده گان اخیر شویم.

زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری
۱۷ اسفند ۸۸ - ۸ مارس
۲۰۱۰

قطعه نامه ۸ مارس ۱۳۸۸ سنندج

از صفحه ۱

تجمعات زنان همواره از سوی دول وابسته به سرمایه داری به شدیدترین وجهی به خاک و خون کشیده شده و این فقط ناشی از این هراس است که عظمت خیزش انقلابی زنان و توانایی به انجام رساندن تغییرات اقتصادی و سیاسی در سطوح اجتماع برای نظامهای مردسالار سرمایه دار توتالیتر مسجل شده است.

سرکوب زنان مشخصا بازتولید نیروی کارازان و ارزانتر، غالب و قالب کردن ایدئولوژی طبقات حاکم و مردسالار، نهادینه کردن تحقیر، توهین و استثمار است. با این حال زنان به خوبی می دانند که رفع هرگونه ستم جنسیتی تنها در گرو رهایی طبقه کارگری است که گسستن زنجیرهای پوسیده فرهنگ مردسالارانه، برچیدن تبعیضات اقتصادی، ملی، قومی، زبانی و غیره را در

محاكمه و مجازات شوند.

۳. زنان ناموس هیچ کس نیستند؛ توجیه کردن خشونت آشکار و پنهان علیه زنان با هرگونه قضاوت مردسالارانه و ارزشی، محکوم است و باید ملغی شود.

۴. تمامی قوانین تبعیض آمیز مربوط به حق ازدواج، حق طلاق، حق حضانت فرزند، حق ورود و خروج از کشور، حق پوشش، حق مسکن، حق تحصیل، حق انتخاب شغل و... که تضییع آشکار حقوق زنان است، باید فوراً باطل شود.

۵. استفاده از نهادهای باز تولید فرهنگ زن ستیزانه همچون آموزش و پرورش، صدا و سیما و نهادهای فرهنگی وابسته، به تاراج بردن ثروت طبقات زحمتکش است. برنامه های زن ستیزانه و برنامه های غیراستاندارد آموزشی که روزانه به خورد مردم داده می شود، باید متوقف شود.

۶. سهمیه بندی جنسیتی

خواهان پرداخت حقوق و بیمه مکفی به زنان خانه دار هستیم. کار خانگی باید به کار اجتماعی تبدیل شود.

۱۰. خصوصی سازی و قراردادهای موقت و سفید امضا باید متوقف شود. ما خواهان امنیت شغلی رفع تبعیض کامل بین زنان مردان و پرداخت دستمزد و فرصتهای شغلی برابر هستیم.

۱۱. تجمع، اعتراض، اعتصاب، تشکل حق مسلم ماست. بازداشت روز افزون فعالین کارگری، دانشجویی و زنان را قویا محکوم می کنیم. تمامی فعالین دربند و فعالین سیاسی و عقیدتی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

گرامی باد ۸ مارس
پیروز باد طبقه کارگر
کمیته برگزار کننده ی ۸ مارس ۱۳۸۸ - سنندج

کنکور، سرکوب آشکار زنان و دختران است که بیشترین آسیب آن متوجه طبقات زحمتکش است. ما خواهان لغو هرگونه سهمیه بندی جنسیتی و غیره می باشیم. آموزش و پرورش در کلیهی سطوح باید برای همه سهل الوصول، رایگان و مبتنی بر حقوق و ارزشهای انسانی باشد

۷. ما شدیداً طرحهای جنسیتی را در مکانهای عمومی مانند دانشگاه، سالنها، محل اجتماعات و وسایل ارتباط عمومی محکوم می کنیم و خواهان لغو فوری تفکیک جنسیتی در اماکن و اجتماعات هستیم.

۸. آزادی سقط جنین، داشتن اختیار بر بدن و لغو مالکیت مرد بر زن و فرزندان باید به رسمیت شناخته شود. ما خواهان رعایت و حمایت فوری از حقوق انسانی کودکان هستیم. حق مادری چه قانونی چه غیر قانونی باید به رسمیت شناخته شود.

۹. ما در شرایط امروز

ممنوعیت اعدام در همه جا و همین الان:

گزارش مینا احدی از کنگره بین المللی علیه اعدام در سوئیس

نفرت و انزجار عمیق علیه جمهوری اسلامی ایران در چهارمین کنگره جهانی علیه اعدام

شهر زیبای ژنو، روزهای ۲۴ و ۲۵ فوریه، میزبان، بیش از ۱۰۰۰ نفر فعال علیه اعدام بود. چهره شهر با حضور صدها نفر مخالفین اعدام برای من زیباتر و جذاب تر شده بود.

حضور در جمع انسانی که به زبانهای مختلف و با مجموعه ای فعالیتها، از نقاشی کشیدن تا کاریکاتور، از تئاتر و فیلم ساختن، تا میتینگ سازمان دادن، میخواهند يك واقعه مهم در تاریخ بشری هر چه زودتر اتفاق بیفتد. ممنوعیت اعدام در همه جا، همین الان!

این پیام اصلی کنگره بود که بر سر در ساختمان محل کنگره و در کریدورها و در مقابل صندلیهای حضار حك شده بود. ممنوعیت اعدام در همه جا و همین الان.

روز ۲۴ فوریه چهارشنبه بود و برای من این روز، طی سالهای سال به يك روز سیاه و دردناک تبدیل شده، روز اعدامها در ایران. وقتی به محل میرسم، به نوعی هیجان زده هستم و همچنین غمگین. برای دلارا و احسان فتاحیان و صدها و صدها نفر اعدام شده در ایران و امریکا و چین، این کنگره نتوانست کاری بکند، ولی برای صدها و صدها نفر میتواند موثر باشد و باید در این همایش های بزرگ حضور داشت و دولت های دیکتاتور را تحت فشار گذاشت و به این دوره تاریخ بشر پایان داد.

بعد از معرفی خودم به قسمتی که برای میهمانان بین المللی و سخنرانان کنگره است، میروم و بعد

از اینکه کارتی دریافت میکنم که باید در همه جا آترا با خود داشته باشم، وارد اولین کریدور میشوم. چندین میز اطلاعاتی و کتب متعدد، و بروشورهای مختلف اطلاعاتی در مورد اعدامها، اولین جایی که سر میزنم، میز سازمان عفو بین الملل سوئیس است. در سال ۲۰۰۵ به همراه چندین شخصیت سرشناس جهانی علیه اعدام و از جمله مسئول عفو بین الملل آمریکا، ریک هالپرین، ده روز در سوئیس، گشت سیاسی علیه اعدام "داشتیم. این برنامه بسیار موفق را عفو بین الملل سوئیس فراخوان داده بود و لوکاس لابهارت، از مسئولین امنستی سوئیس در آنجا است. همدیگر را در آغوش میگیریم و از او در مورد کل برنامه سوال میکنم. در همانجا مرجان افتخاری را می بینم، سپس دوستان دیگری که از قبل آنها را می شناسم. انسانی عزیز و زخم خورده از حکومت فاشیست اسلامی و مدتی بعد شهین نوایی و دوستان دیگری که از ایران هستند و میخواهند اینجا در مورد ایران و همچنین علیه اعدامها در همه جا فعالیت کنند و تاثیر بگذارند.

به چهره مرجان نگاه میکنم و میگویم، باید به افرادی مثل او در این کنگره ها امکان دهند، بگویند، در زندان حکومت اسلامی بودن یعنی چه و از انسانهای بزرگی بگویند که در سالهای سیاه شصت و یا شصت و هفت، وحشیانه به قتل رسیدند، بگویند که اعدام فقط برای ایجاد وحشت است و این حکومت

جنایت اسلامی با اعدام کردن بهترین انسانها، خود را ساخت، با اعدام نفس کشید و با اعدام آخرین روزهای سیاه زندگیش را سپری میکند.

اما در کنفرانسهای جهانی هم، هنوز امکان صحبت برای خلیپها که حرفهای زیادی برای گفتن دارند، فراهم نیست...

بهر حال يك جمع کوچک از دوستان قدیمی را در آنجا پیدا میکنم و از این جلسه به آن جلسه میروم، تا ببینیم در کشورهای دیگر که اعدام قانونی است، چه میکنند و بویژه چگونه علیه آن مبارزه میکنند.

من خیلی مهم است، چرا که مدتها است او را ندیده ام و دلم برایش تنگ شده ...

چند دقیقه بعد از اینکه وارد سالن میشویم، نازنین از راه میرسد. همدیگر را محکم بغل میکنیم و از اخبار فعالیتهای همدیگر، حرف میزنیم. قرار است محمد مصطفایی هم سخنرانی کند، که مانع خروج وی از ایران شده اند و جای او با اسمش در این پانل خالی است. سخنرانی نازنین کار شده و با فاکتهای متعدد و بسیار مفید است. و بعد از او چند نفر دیگر سخنرانی میکنند و من چون مصاحبه دارم از سالن خارج میشوم.

شب به هتل محل اقامت خودم میروم و با چند رسانه فارسی زبان مصاحبه میکنم.

جالب اینست که امروز که از سفر اطریش برگشته ام، با نگاهی به رسانه های با شرف فارسی زبان نظیر "دوویچه وله" فارسی و دیگران می بینم که چقدر راحت حتی در زمینه خبررسانی اسم مرا و یا اسم نازنین افشین جم را حذف کرده و فقط از سخنرانی "بانوی جایزه گرفته" ایرانی در کنگره جهانی علیه اعدام حرف زده اند. اینهم خبررسانی از نوع دوویچه وله و ... است. چشم ما به اینهم روشن شد!!!

روز پنجشنبه باید متن کتبی سخنرانی خودم را ساعت هشت



صبح به سازمان دهندگان جلسه بدهم. يك ربع به هشت آنجا هستم و فکر میکنم، نگهبانان در که با کمی تعجب مرا نگاه میکنند، با خودشان فکر میکنند، چه زود آمده است. کارتی که باید نشان بدهم را با خودم ندارم، و در هتل جا گذاشته ام، ولی خوشبختانه نگهبانان از دیروز اینجا است و مرا می شناسد. سخنرانی من قرار بود به آلمانی باشد، ولی چون شیرین عبادی هم سخنران این قسمت است و فارسی حرف میزنند، من هم باید فارسی حرف بزنم. بهمین دلیل سخنرانی ام را باید مجدداً بنویسم. بهر حال متن را تحویل میدهم.

پیش از ظهر در جلسات دیگری شرکت میکنم و ساعت ۲ بعد از

تا ساعاتی بعد از این سخنرانی، همچنان در کریدورها و سالنهای دیگر هستم و به سخنرانیها گوش میدهم. یکی از بهترین برنامه ها، کنفرانس "کاریکاتورستها از دنیا علیه اعدام" هست. مرد جوانی از بورکینا پاسو با کاریکاتورهای بسیار جالب که از ایران و احمدی نژاد هم تعدادی کاریکاتور در بین آنها هست، از تجارب خود در مقابله با اعدام حرف میزند و یا يك کاریکاتوریست بسیار بدنه گوی ژاپنی، کاریکاتورهای خود را نشان میدهد و ما در حالیکه از ته دل میخندیم، ولی در عین حال میدانیم که در مورد یکی از فجایع جوامع بشری داریم حرف میزنیم. مهم اینست که همه مخالفین به هرنوعی که میتوانند دارند اعتراض میکنند.

اولین روز در برنامه ها می بینم که هر روز ساعت ۲ بعد از ظهر يك پلنوم بزرگ هست و سخنرانان زیادی در آن حضور می یابند و قرار است من فردا یعنی پنجشنبه در این پلنوم سخنرانی کنم. ساعت ۲ بعد از ظهر چهارشنبه وارد سالن بزرگ این پلنوم میشوم و به سخنرانیهای آنها گوش میدهم. آمار اعدامها در چین و ژاپن، نحوه مقابله با اعدامها، سیعیت اعدام کنندگان و فروش بدن اعدامیها و فیلم کوتاه در این مورد، حالم را بشدت منقلب میکند. دنیای کثیفی است...

حدود ساعت چهار و نیم بعد از ظهر قرار است نازنین افشین جم به همراه تعداد دیگری سخنرانی کند. با دوستان به سالن محل سخنرانی نازنین میروم. دیدار با نازنین برای



بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران به مناسبت روز جهانی زن زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن

فرا رسیدن این روز به تمامی انسانهای برابری طلب و آزادیخواه، اعضا خود و تمامی کارگران را در جای جای کشور به شرکت در مراسم روز جهانی زن فرا میخواند و خواهان رفع تبعیض جنسیتی نسبت به زنان در تمامی عرصه های زندگی و اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و سیاسی است.

نابود ستم جنسی
زنده باد ۸ مارس
اتحادیه آزاد کارگران ایران
۱۶ اسفند ماه ۸۸

انسان از انسان گره بخورد تا بشریت برای همیشه از ننگ تبعیض جنسیتی و هر گونه ستم و استثمار و بی حقوقی رهایی پیدا کند.

۸ مارس برای ما چنین روزی است، ۸ مارس برای ما کارگران روز تعمیق و در هم آمیختگی جنبش خلاصی زنان با افق جنبش کارگری و روز هر درجه از پیشروی امر خلاصی زنان از تبعیض جنسیتی در چهارچوب وضعیت موجود است. اتحادیه آزاد کارگران ایران با گرامی داشت ۸ مارس و تبریک

وجود اشکال مختلف ستم بر زن و تحمیل بردگی جنسی پنهان بر آنان در چهارچوب خانواده، تجارت و قاچاق زنان و تحمیل بردگی جنسی اشکار بر آنان توسط باندهای مافیایی به معضلی جهانی تبدیل شده است. از نظر ما سیستم سرمایه داری مسبب تمامی مصائب و تبعیضهای آشکار و پنهان بر زنان است و جنبش زنان علاوه بر مبارزه برای هر درجه از رفع تبعیض جنسیتی در چهارچوب وضعیت موجود، بایستی عمیقا به امر و افق امحا بهره کشی

تبعیض جنسیتی بیش از پیش از پیش دامن زده است.

ستم بر زن و تبعیض جنسیتی نسبت به زنان که بطور ریاکارانه ای در زر ورق نسبیت فرهنگی پیچیده میشود نه ریشه در فرهنگ و سنن ملتها بلکه ریشه در مناسبات ضد انسانی سرمایه داری دارد که بنا بر ضرورتهای سود آوری سرمایه در کشورهای مختلف، منجر به باز تولید درجات متفاوتی از تبعیض جنسیتی نسبت به زنان در جای جای جهان میشود و چنین است که امروزه علاوه بر

۸ مارس امسال در شرایطی از راه رسیده است که زنان در صف مقدم آزادیخواهی مردم ایران قرار گرفته اند و بطور تعیین کننده ای خواست برابری طلبی آنان با خواست و اراده توده های میلیونی مردم ایران برای تغییر وضعیت موجود گره خورده است.

قرار گرفتن جنبش زنان در چنین موقعیتی در ایران سیمایی به غایت انسانی به خواسته های مردم ایران بخشیده است و پس لرزه های آن در يك بعد جهانی بر مسئله خلاصی زنان از ستم و

میدادند، و امروز اسپر بخش دیگر حکومت هستند.... محدود میکنند.

سخنرانی من مورد تشویق زیادی قرار میگیرد و بعد از کنفرانس چندین دعوت نامه برای سخنرانی در کشورهای مختلف دریافت میکنم... سخنرانیهای بعدی در این جلسه به امریکا و چین و ژاپن اختصاص دارد و جلسه در ساعت چهار و نیم خاتمه می یابد. در خاتمه باید اضافه کنم که

سه روز کنگره جهانی علیه اعدام، مملو از ابراز نفرت علیه حکومت اسلامی بود. هرجا از اعدام کودکان از اعدام فعالین سیاسی و یا همجنسگرایان حرف زده میشد، به ایران هم اشاره میشد. جمهوری اسلامی ایران مورد نفرت جهانی است و این موضوع مهم به مبارزات میلیونها نفر مردمی ربط دارد که علیه این حکومت و علیه اعدام بپا خاسته اند.

ما برای سرنگونی این حکومت مبارزه میکنیم و با سرنگونی این حکومت، راه برای ممنوعیت جهانی اعدام بازتر خواهد شد.

مینا احدی
۱ مارس ۲۰۱۰
minaahadi@aol.com
م آدرس ایمیل جهت جلوگیری از رباتهای هرزنامه محافظت شده اند، جهت مشاهده آنها شما نیاز به فعال ساختن جاوا اسکریپت دارید



بزودی ۱۸ ساله میشوم، کاری بکنید" میدانید چرا، برای اینکه در اینجا در مورد حکومتی حرف میزنم که کودکان را در زندان نگهداری میکند و يك روز بعد از جشن تولد ۱۸ سالگی آنها را به قتل میرساند... در ایران ۱۶۰ کودک در این شرایط زندگی میکنند....

من در ادامه از نحوه کار کردن سازمانهایی مثل کمیته علیه اعدام و یا سازمان نازنین افشین جم علیه اعدام کودکان حرف میزنم که عبادی و دوستانش، آنها را همیشه "فراموش" میکنند.... و تاریخ مبارزه علیه اعدام را به اعتراضات خودشان در مورد دستگیری و یا شکنجه دوستان دوم خردادی خود، و یا دستگیرشدگانی که قبلا در حکومت بوده و خودشان ترتیب احکام اعدام و یا سنگسار را

موضوع مهم، با احساسات و عواطف عمیقی عجین است. من نه به عنوان يك فرد، ناظر و یا حتی فعال حقوق بشر، بلکه يك نفر که از اعماق جامعه و از دل صدها نفر قربانیان این فاجعه، حرف میزنم، سخنرانی ام را نوشته ام و همین احساس را به صدها نفر حاضرین در کنفرانس سعی میکنم، منتقل کنم. همان اول سخنرانی ام میگویم، رابطه من با این پنج حرف (اعدام)

، متأسفانه فقط رابطه يك مسئول و یا فعال کمیته جهانی علیه اعدام نیست، رابطه ای است کاملا نزدیک، من ۲۰ ساله بودم که دیدم، دزدیدن عزیزان ما و تحویل دادن جسد آنها، چه زخم عمیقی در قلب ما حک میکند، و این زخم جاودان میماند. من در گوشم صدای کودکانی را دارم که از زندان حکومت اسلامی به من زنگ میزنند و میگویند "خاله مینا

نمونه فعالیتهای علیه اعدام حرف میزند. او اشاره ای به اعدامهای سال ۶۷ میکند، ولی از سال ۶۰ حرفی نمیزند و در مورد مبارزه علیه اعدام در ایران، فقط از فعالیتهای عمادالدین باقی و کمپین های که اخیرا دوستان ایشان به آن دست زده اند، مثل "اعدام کودکان بس"، حرف میزنند و کلا، سخنرانی ضعیف و در عین حال نا دقیق و غیر موثری ارائه میدهد. نهایت حرف ایشان هم اینست که حکومت باید دمکراتیک شود و یا دمکراسی مهم است. بدون اشاره به اینکه کدام حکومت را میخواهیم دمکراتیک کنیم، حکومت اسلامی ایران را؟؟؟

بعد از ایشان نوبت سخنرانی من است. متن کامل سخنرانی خودم را بزودی منتشر خواهم کرد. فقط در اینجا باید تاکید کنم، برای من صحبت کردن در مورد این

گزارش مینا احدی از کنگره علیه ... از صفحه ۶

ظهر وقت پلنوم امروز است. موضوع کنفرانس اینست، مشکلات بعدی در ممنوعیت کامل اعدام. نمونه هایی از ایران، ژاپن، چین و امریکا

سخنرانان: مینا احدی مسئول کمیته بین المللی علیه اعدام، گیل چایزی از نیومکزیک- امریکا، شیرین عبادی وکیل ایرانی و برنده جایزه صلح نوبل، روگر هوود، استاد دانشگاه آکسفورد از انگلیس، تیان یونگ چیان وکیل چینی، جوی لی، وکیل حقوق بشر در چین، مانوریس پوزلی ژورنالیست از امریکا، مایکو تانکونساری وکیل از ژاپن، جون وان دکمپ از لس آنجلس امریکا، رناته وولوند، مسئول گزارشدهی از اعدامها و نحوه مقابله با آن از اتحادیه اروپا، از لوکزامبورگ، نینگ چانگ استاد دانشگاه از ژنو، اریکا برنارد و همچنین کیل اشتفان بوسارد ژورنالیست از سوئیس

برنامه با خوشامدگویی و صحبتهای دو گرداننده بحث اریک برنارد و اشتفان بوسارت شروع میشود. بخش اول در مورد ایران است. يك فیلم دو دقیقه و نیمی از ایران و اعدامها نشان داده میشود و سخنران اول شیرین عبادی است. او در مورد اعدامها در ایران و

در مرکز شهر سنندج، مراسم بزرگداشت هشت مارس روز جهانی زن



سنندج سرخ با مراسم های متعدد به استقبال هشت مارس رفت و امروز با برگزاری يك مراسم بزرگ در مرکز شهر سنندج، شور و شوق فراوانی را در میان مردم سنندج و فعالین مدافع حقوق زنان ایجاد کرد.

امروز سه شنبه ۱۸ اسفند، سومین مراسم هشت مارس توسط مردم سنندج در مرکز شهر سنندج برگزار شد. ساعت چهار و نیم بعد از ظهر در میدان بازار سنندج در مقابل بازار فریدونی مراسم باشکوهی با شعار زنده باد روز جهانی زن آغاز شد.

در این مراسم تعداد زیادی از فعالین مدافع حقوق زن و فعالین کارگری و صدها نفر از مردم سنندج حضور داشتند. مراسم در شلوغ ترین نقطه شهر شروع شد و صدها نفر ناظر و شاهد این برنامه بزرگ دفاع از حقوق و حرمت انسانی زنان بودند. خبر برگزاری این مراسم به سرعت در شهر پیچید و مردم به همدیگر برگزاری این مراسم را تبریک



بسیاری برپا شده است. طبق اخباری که تا کنون به دست ما رسیده است در شهرهای مهاباد و سقز و سنندج مراسمهایی به این مناسبت برگزار شده است. که اخبار تعدادی از آنها را منتشر کرده ایم. طبق آخرین اخباری که به دست ما رسیده است در همه شهرهای کردستان دهها مراسم بزرگ و کوچک در جمع های خانوادگی و یا در مراکز کار و فعالیت مردم برگزار شده است. در همه این برنامه ها در مورد روز جهانی زن، تاریخچه این روز و مبارزات زنان در ایران بر علیه قوانین اسلامی و خشونت های اجتماعی و خانوادگی و راهها مقابله با آن بحث شده است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۹ مارس ۲۰۱۰

کمیته کردستان حزب

را به نقاط مختلف شهرگسیل کرده و به نوعی حکومت نظامی در شهر اعلام کرده بود.

مردم سنندج که سنت برگزاری هشت مارس را دارند، و همیشه در صف اول برگزاری هشت مارس های بزرگ در زیر خفقان و سرکوب حکومت زن ستیز اسلامی ایستاده بودند، این بار هم تو دهنی محکمی به جنایتکاران اسلامی زدند. مزدوران و سرکوبگران امکان هیچ دخالت و تحرکی را نیافتند. مراسم در فضایی بسیار شاد و پرشور همراه با کف زندهای ممتد حاضرین به پایان رسید. لازم به توضیح است که امسال علیرغم ایجاد فضای نظامی و اعمال فشار به فعالین جنبش زنان و جنبش کارگری در شهرهای مختلف کردستان مراسم های بزرگ و کوچک

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!